

بدن‌مندی، فلسفه با کودکان و کتاب تصویری *تونل*:
چگونگی شکل‌گیری معنا از استعاره‌های آمیخته

عطیه فیروزمند*

مریم بناهان** و سیدمهدی سجادی***

چکیده

رویکرد پسانسان‌گرایی از دل مطالعات بینارشته‌ای گوناگون به برنامه فلسفه برای کودکان (فبک) پا گشود و آن را دچار تغییر پارادایم کرد تا نسبت به سلطه ذهن بر بدن، بزرگ‌سالی بر کودکی و شکل‌دهی بر پدیداری، پاسخ‌رهایی‌بخش ارائه دهد. هم‌گام با چنین چرخش پارادایمی در برنامه فلسفه برای کودکان، علوم شناختی نیز تغییراتی به خود دید که از آن میان می‌توان به سه ای (E) پیشنهادی مارک جانسون، که به باور او از ویژگی‌های شناخت‌اند، در کنار چهار ای دیگر علوم شناختی نام برد: بدن‌مند، لانه‌گزیده، بسط‌یافته، اجرایی، «عاطفی»، «تکاملی»، «کارکرد جدید یافته». از تلاقی این دو چشم‌انداز (پسانسان‌گرایی و نظریه جانسون) می‌توان به ده مقوله دست یافت: نقد منطق دوگانی، نقد ساختار سلسله‌مراتبی در هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی انسان‌گرا، عاملیت جزانسان، هستی‌معرفت‌شناسی رابطه‌ای، بدن‌های انسانی و جزانسانی، تخیل، عاطفه، درهم‌کنش (به‌جای برهم‌کنش)، فلسفه جان‌دارانگار، استعاره. چنین است که ادراک کودکان از جهان، از ارتباط بدن‌مند ایشان با دیگر هستی‌های درون جهان شکل می‌یابد؛ رویدادی که برخی جلوه‌های آن در

* دانشجوی دکتری، فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه الزهرا (س) تهران، atiyehfirouzmand@gmail.com

** استادیار، فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه الزهرا (س) تهران، banahan@alzahra.ac.ir (نویسنده مسئول)

*** استاد، فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه تربیت مدرس تهران، sajadism@modares.ac.ir

تاریخ پذیرش مقاله:

تاریخ دریافت مقاله:

شماری از کتاب‌های تصویری معاصر بازتاب یافته است. در این پژوهش، با رویکرد تفسیری-تجربیدی و ترکیب روش‌های استقرایی و قیاسی به بررسی چگونگی بازنمایی بدن‌مندی در کتاب تصویری *تونل* اثر آنتونی براون می‌پردازیم، تا با توجه به ده مقوله نام‌برده و شیوه‌های ارتباط آن‌ها با یکدیگر، چگونگی امکان شکل‌گیری معنا را از دل بازنمایی بدن‌مندی در کتاب تصویری و در کندوکاو فلسفی با کودکان بیازماییم. در فرآیند این مطالعه، هم‌اندیشی بدن‌مندانه در همراهی با کتاب تصویری در چهار بخش تصویرها، شیوه مشارکت مخاطب در شکل‌دهی به اثر، درهم‌کنش‌های واژگانی-تصویری-حرکتی در کلیت اثر، و شیوه کاربرد پرامتن بررسی شده‌اند. پیشنهاد این پژوهش، جلب توجه تسهیل‌گران فباک به ده مقوله پیشنهادی و به‌کارگیری آن‌ها به‌عنوان ملاک انتخاب کتاب تصویری مناسب برای همراهی با این حلقه است. در این صورت، می‌توان امید داشت که هم‌اندیشی فلسفی با کودکان هر چه بیش‌تر به سوی اقتدارگریزی توانمندساز حرکت کند.

واژه‌های کلیدی: استعاره‌های آمیخته، بدن‌مندی، درهم‌کنش، فلسفه با کودکان،

کتاب تصویری *تونل*، آنتونی براون

فرهنگی را در ذهن بپرورید که در آن بحث‌ها در قامت جنگ دیده نمی‌شوند، که در آن کسی برنده یا بازنده نیست، که در آن هیچ حس و تعبیری از حمله یا دفاع، به‌چنگ‌آوردن یا ازدست‌دادن موضع برداشت نمی‌شود. فرهنگی را خیال‌پردازی کنید که در آن بحث در قامت رقص پدیدار شود، که در آن مشارکت‌کنندگان اجراکنندگان رقص‌اند، و هدف اجرایی است در حالتی از توازن و زیبایی‌شناسی، دل‌پذیر و لذت‌آفرین. در چنین فرهنگی، مردم بحث را به‌گونه‌ای متفاوت فهم و تجربه می‌کنند، آن را متفاوت تحقق می‌بخشند و دیگرگون درباره‌اش سخن می‌گویند. (لیکاف و جانسون، ۲۰۰۳: ۴ و ۵)

۱. آغاز سخن

با چرخش مادی‌گرایانه^۱ اخیر در فلسفه جسمانی^۲ و در مطالعات پسانسان‌گرایانه^۳ کودکی، برنامه فلسفه برای کودکان (فبک)^۴ نیز دچار «چرخش پارادایمی» شد و هم‌خوان با آموزش همراهی‌کننده با کودک، به فلسفه با کودکان (فباک)^۵ (۱) رسمیت و هویت بیشتری بخشید. هرچند کارین موریس^۶ و همکاران او متأثر از نظریات کارن باراد^۷ پسانسان‌گرایی انتقادی را به مطالعات فباک وارد کردند؛ ولی تمایز فباک را از فبک به

¹ Material turn

² Embodied philosophy

³ Posthuman childhood studies

⁴ Philosophy for Children (p4c)

⁵ Philosophy with Children (pwc)

⁶ Karin Murris

⁷ Karen Barad

روشنی مشخص نکرده‌اند. خسرونژاد (زیر چاپ) با در نظر داشتن سیر ورود نام فباک به این مطالعات و تغییرات تدریجی که پذیرفت، حرکت از فباک به فباک را چرخش پارادایمی و نزدیک به رویکرد پیدایشی و مواجهه‌ای می‌داند (ن.ک: خسرونژاد و آتشی، زیر چاپ). این چرخش تازه پسانسان‌گرایانه برگرفته از دونا هاراوی^۱ (۲۰۱۶)، کارن باراد (۲۰۰۷)، رزی بریدوتی^۲ (۲۰۰۲، ۲۰۰۹، ۲۰۱۳)، ژیل دلوز^۳ و فلیکس گتاری^۴ (۲۰۱۴) است. پسانسان‌گرایی فلسفی، یک رویکرد اخلاق-هستی-معرفت‌شناختی^۵ است که هر گونه دوگانی تقابلی و میراث سلسله‌مراتبی را به چالش می‌کشد. پسانسان‌گرایی به تمرکززدایی از انسان در رابطه با جزانسان اشاره دارد (ن.ک: بریدوتی، ۲۰۱۹: ۲۲) و تمناپی است به بازاندیشی در رابطه‌مندی، با در نظر گرفتن آن به‌عنوان یک نظام هم‌آفرین^۶ و بدون دوگانی‌هایی مانند بدن/ذهن، عین/ذهن، طبیعت/فرهنگ، کودک/بزرگ‌سال (ن.ک: هینز و موریس، ۲۰۱۹: ۲۹۱).

در پژوهش‌های اخیر این حوزه، نگاه از کودک در جایگاه هنوز-کاملاً-انسان‌نشده و نیازمند آموزش، به کودک در جایگاه توانمند در «تولید دانش» (ملون^۷ و همکاران، ۲۰۲۰: ۱۳۸ و ۱۳۹) تغییر کرد. هم‌چنین انسان، موجودی مادی، گفتمانی، رابطه‌ای و درهم‌تنیده تعریف شد که بخشی از جهان و از نظر اهمیت، برابر با دیگر هستنده‌های شکل‌دهنده جهان است (ن.ک: باراد، ۲۰۰۷). اکنون پژوهش‌گرانی مانند کوهان و همکاران (۲۰۲۳)

¹ Donna Haraway

² Rosi Braidotti

³ Gilles Deleuze

⁴ Felix Guattari

⁵ Ethico-onto-epistemology

⁶ Sympoietic

⁷ Malone